

## گفتگوی خودنویس با اعلیحضرت

### بخش دو

امیر فیض- حقوقدان

#### ۳- آلترناتیو

«مسائل سیاسی و اجتماعی، همانند ابراست. هیچگاه بدون سایه نیست. فقط باید در جایگاهی ایستاد تا سایه را دید»

همواره از سایه است که میتوان سایه انداز را شناخت

یکی از موضوعات مطروحه در گفتگوی خودنویس، توجه و بیانات اعلیحضرت نسبت به آلترناتیو است که چنین فرموده اند:

«آلترناتیوسازی، پیچ پیچ کردن پشت درهای بسته نیست. باید به شکل شفافی باین مسئله برخورد کنیم امروز در عصری زندگی میکنیم که همه هم میهنان باید در جریان تمام اقدامات باشند قضیه پیچ پیچ کردن پشت درهای بسته نیست، قضیه از قبل یک طومار بستن و به جامعه تحمیل کردن نیست»

\*\*

کسانی که شاهد و ناظر جریان مبارزه در خارج از کشور هستند از این احساس و درک غافل نیستند که سالهاست موضوع آلترناتیو در محافل سیاسی خارج از کشور در محاق بی توجهی قرار داشته است و بیشتر سخنها و مصاحبه ها درباره همبستگی و اتحاد و اپوزیسیون و امثالها بوده است و همان شهود و نظار با این حقیقت روبرو هستند که این روزها بعد از سالها سکوت یکباره موضع آلترناتیو آنها تحت عنوان «آلترناتیو سازی» کالای داغ مبارزه شده است، اجازه فرمائید برای اینکه این تحریر از مدارج اصولی برخوردار باشد قدری از سابقه کمک بگیریم.

اولین باری که واژه آلترناتیو در بیان اعلیحضرت آمد در مصاحبه با پاری ماچ در اسفند ماه سال ۱۳۶۲ بود که عین بیانشان چنین است:

«چند سال است که ارتباط ملت باتکیه گاه های معمول خود قطع شده است. تکیه گاه های فرهنگی، تاریخی و مذهبی. بنابراین بیش از هر زمان دیگر سلطنت مشروطه رابه عنوان تنها نهاد و آلترناتیو مثبت و مطلوب پس از نابودی رژیم کشور میداند»

سالها از بیانات اعلیحضرت نسبت به آلترناتیو مثبت و مطلوب «رژیم سلطنتی ایران» گذشت و کم کم جای آلترناتیو را همبستگی و اتحاد و امثال آنها گرفت که متأسفانه ۲۹ سال با ناکامی روبروست.

در سال ۱۳۷۵ خبرگزاریها از ملاقات اتفاقی! اعلیحضرت و آقای کلینتون در یک رستوران خبر دادند و اعلیحضرت مسدله ملاقات رابارنیس جمهوری آمریکا بقرار زیر باطالع مطبوعات رساندند.

«من فرصت نکردم بارنیس جمهوری آمریکا مفصل صحبت کنم ولی در همان چند دقیقه ای که باهم صحبت کردیم گفتند که ما رویه کارمان را عوض کرده ایم. دوسال راهی راکه انتخاب کردیم بجائی نرسیدیم حالاً داریم راه دیگری را بررسی میکنیم». اعلیحضرت اضافه فرمودند:

«این دلیل این نیست که الزاما آلترناتیوی در رابطه با ایران برای خودشان تعیین خواهند کرد همچنان که تابلو هم فکرنمیکنم که چنین کرده باشند البته ما هم نباید اجازه بدهیم که دیگران برای ماتعیین تکلیف کنند و بروند آلترناتیوی را برای خودشان انتخاب کنند ولی مستاصل هستند و دنبال یک آلترناتیو میگردند. باین تفاوت که اگر تادیروز در زمینه حفظ معامله با جمهوری اسلامی تلاش در پیدا کردن باصطلاح، عوامل متعادل در رژیم در مقابل رادیکالهای نظام بودند، در حالیکه سرپوش میگذاشتند روی فعالیت های اپوزیسیون و کارشکنی میکردند در پیشرفت کار اپوزیسیون حتی کار خودمن، امروز شرایط عوض شده است و امروز این آمادگی را عملی پیدا کرده اند که چنانچه در مقابل این نظام یک آلترناتیوی متبلور بشود، از این موقعیت استفاده کنند.»

تادیروز خیلی کارها بود که میخواستیم بکنیم اما نمیشد انجام داد، کجا بود گوش شنوا ولی حالا هست بشرطی که بتوانیم سهم خود را دادیم و آلترناتیو، اما نه هر آلترناتیوی و گرنه مجاهدین هستند»

( گرفته شده از سنکر ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۵ و نقدی که به آن تخصیص داده شده است )

بعد از آن ملاقات و بیاناتی که درباره آلترناتیو فرمودند، دیگر مسئله آلترناتیو از گفتگوهای مبارزاتی بکنار رفت تا سال گذشته که یکباره مانند یک گیاه سریع الرشد در میدان مبارزه سبز گردید.

### آلترناتیو و سایه و سایه انداز

اجازه فرمائید باتفاق، در این تحریر مسئله آلترناتیو به پاره ابری تشبیه شود که در آسمان مبارزه یکباره ظاهر شده است و ما باید برای اینکه هم سایه آنرا به بینیم و بدانیم که ابر پیدا شده چیست، نعمت است، یا ذلت و برای اینکه سایه انداز را بشناسیم که ایرانی است و یا بیگانه باید در نکات این تحریر دقیق شویم.

نخست اثبات این موضوع ضروری است که، مسئله آلترناتیو ظهوری تازه و با شتاب یافته است در این جهت به شهود و قرآن زیر استناد میشود:

۱- آقای اسماعیل نوری علا در برنامه آقای میبیدی در تلویزیون پارس گفت:

«سه سال اخیر تمام فعالیت های خودم را روی آلترناتیو گذاشته ام، درک من این است که هنگام ایجاد اپوزیسیون استقلال طلب از راه رسیده است. آلترناتیو باید در خارج از ایران تشکیل شود. مسئله ایران بدون آلترناتیو مکن نیست و آلترناتیو هم نیازی به رهبری ندارد»

**حاشیه =** درک آقای نوری علا همان نسیمی است که بتازگی از بنیاد ملی دمکراسی (امریکا) به ایشان وزیده و مفهوم از راه رسیده هم جز این نیست که دستور صادر شده است. ( پایان حاشیه )

۲- تلویزیون پارس چندین هفته است که با دعوت افرادی درباره آلترناتیو سازی اظهار نظر میکند و چنان مینماید که مهمترین موضوع روز ساختن آلترناتیو است، آنهم ساختن؟ اقلا حد نادانی رابه نمایش نگذارید، مگر آلترناتیو آفتابه حلبی است که باید ساخته شود؟

### حاشیه درباره آلترناتیو

آلترناتیو، یک حرکت و هویت سیاسی ریشه ای است که در ماهیت مخالف باکل و جزء قدرت مقابل خود میباشد.

رژیم سلطنتی آلترناتیو رژیم جمهوری و برعکس است، چراکه، بنیاد حقوقی هر دو رژیم از بن متضاد و مخالفند و برقراری هریک از آن دو مستلزم از بین رفتن دیگری است.

دو منصب است که باید کنار نیاید راست      نظام سلطنت است و نظام جمهوری

در اینکه رژیم سلطنتی ایران آلترناتیو جمهوری اسلامی است با کوچکترین تردیدی همراه نیست، ولی اینکه جمهوری اسلامی را بتوان آلترناتیو رژیم سلطنتی شناخت با تردید و اشکال مسلمی روبروست و آن این است که جمهوری اسلامی ریشه سیاسی و هویتی اصلا ندارد.

تبدیل جمهوری اسلامی به جمهوری دمکراتیک و یا حتی کمونیستی آلترناتیو نیست بلکه تبدیل و یا جایگزینی است موفقیت جنبش سبز در انتخابات سال ۸۸ و حذف ولایت فقیه و اصلاح قانون اساسی یک جایگزینی است نه آلترناتیو.

این حضرات که میخواهند آلترناتیو بسازند و بقول خودشان **جمهوری دمکرات سکولار** درست کنند و به آن عنوان آلترناتیو میدهند همان عقیده نادرست خام رادارند که هاشمی رفسنجانی هم دارد و گفت:

**<جمهوری اسلامی بدون ولایت فقیه آلترناتیو جمهوری اسلامی است> (نشریه نهم دی جمهوری اسلامی)**

۳- در چهارشنبه ۱۴ دسامبر ۲۰۱۱ آقایان علی افشاری و اکبر عطری و میردامادی و افشین وفاطمه حقیقت جو در نامه ای خطاب به آقای کنت تیمرمن مدیر بخش خاورمیانه ایران در گروه تحقیق کنگره آمریکا که دارای ۱۲۰ امضا باذکر نام فرستاده اند که بخشی از آن چنین است:

<اکنون که سیاستمداران آمریکایی در خصوص پروژه آلترناتیو سازی برای جمهوری اسلامی هستند جادارد امیرعباس فخرآورد و ارژنگ داودی و کنفدراسیون دانشجویی ایرانی را از گزارش کنگره حذف کنند>

**حاشیه - این سند گویای مطالبی از این دست است:**

الف- قضیه آلترناتیو سازی از طرف آمریکا آنقدر جدی روشن است که آقایان هیچگونه احتیاطی در نسبت دادن امر مداخله آمریکا در امور ایران و مبارزه ایرانیان را لازم ندانسته اند.

ب- نزدیکی و همکاری حضرات با آمریکاییها آنقدر نزدیک و خودی و محل وثوق (بخوانید نوکری) است که صریحا سعایت همکاران خودشان رامیکنند.

بهر حال آنچه که از سند مزبور سهم این تحریر است همان تعلق برنامه آلترناتیو سازی به آمریکا است، یعنی همانطور که آمریکا برنامه جنبش سبز را تدارک دید و بعدها هم اظهار داشت که جنبش سبز برای منافع آمریکا مبارزه میکند همانطور هم آلترناتیو بوسیله عمده های ایرانی آمریکایی ساخته و برای حفظ منافع آمریکا بکار گرفته میشود.

۴- کنفرانس اولاف پالمه بوسیله بنیاد دمکراسی آمریکا تریب داده شد این بنیاد در زمان ریاست جمهوری آقای ریگان برای نفوذ در شوروی و سقوط و تجزیه آن کشور بوجود آمد و پس از موفقیت زمینه سازی برای تسلط آمریکا در ۹۰ کشور جهان در فعالیت آن بنیاد دولتی و بظاهر مستقل قرار گرفت.

آقای علی مطهری یک پژوهشگر سیاسی در رابطه با کنفرانس اولاف پالمه نوشته است:

**<موقعیت سیاسی و اقتصادی آمریکا شرانطی را بوجود آورده است که آلترناتیو سازی نیز میتواند مکمل پروژه آمریکا و غرب علیه جمهوری اسلامی باشد. اجلاس اولاف پالمه و مصاحبه های اخیر رضایپهلوی در راستای آلترناتیو سازی مورد نظر آمریکا است>**

**حاشیه -** کنفرانس اولاف پالمه در تاریخ ۱۵ و ۱۶ بهمن سال گذشته به میهمانداری بنیاد اولاف پالمه پشت درهای بسته و با شرط اینکه هیچگونه خبر و تصمیم متخذه آشکار نگردد تشکیل گردید، رئیس و دستور دهند کنفرانس آقای عبدالله مهندی بوده که رابطه نزدیکی را با امیر ایران در وزارت خارجه آمریکا دوستانش بر ملاء ساختند.

در بین اسامی دعوت شدگان گروهی قبول دعوت نکردند یکی از آنها بنام مهرداد درویش پور (جمهوریخواه) در نامه ای اعلام کرد که علت عدم قبول و حضور در استکھلم این بوده که بدیل سازی توسط قدرت های خارجی و از جریانی که چلیپی سازی است حمایت نمیکنم (اخبار ایران - خودنویس)

چلیپی سازی، تشبیه درستی است برای آلترناتیو سازی. چقدر کسانی باید کوردل و چشم باشند که چلیپی سازی را جایگزین آلترناتیو کهن و پرافتخار ایران ساخته اند.

### قضیه پیج ویج

علیحضرت مذاکرات جلسه استکھلم رایبه مناسبت آنکه در بسته بوده به پیج ویج تعبیر و اظهار ناراضایتی فرموده اند از نظر کلی مسائل اجتماعی و سیاسی پشت درهای بسته حرف بردار است ولی اطلاق پیج ویج به جریان نشست استکھلم از جانب علیحضرت قابل تامل است.

در لیست اسامی شرکت کنندگان جلسه، اولین نام، اسم آقای شه‌ریار آهی است که از مشاوران و برنامه ریزان ارشد علیحضرت شناخته شده اند دیده می‌شد. ذکر نام آهی در اول ردیف، علامت موقعیت ایشان در رابطه با علیحضرت است. با توجه به اینکه هر جلسه ای دارای دستور جلسه است و دستور جلسه و شرایط شرکت و مقررات آن به اطلاع مدعوین ضمن دعوتنامه میرسد خیلی احتیاط لازم است موضوع را شامل پیج ویج دانست.<sup>۱</sup>

وانگهی سری بودن کنفرانس استکھم یک امر بیسابقه نیست این عمل در مورد آلترناتیو سازی برای سوریه و لیبی هم قبلاً در پشت درهای بسته و تعهد به اینکه سری بماند انجام گردیده بود (انرمجیدی)

اعتراض علیحضرت ممکن است، مصداق «مصلحت کاری» باشد گرچه گفته اند «آنجا که مصلحت راپادشاهان شناسند، بندگان راهیج حرفی باقی نماند»

### هدف از چلیپی سازی < آلترناتیو سازی > چیست؟

سببیت سلطه طلبانه آمریکا و تحمیل اقتدار سیاسی و اقتدار نظامی خود به کشورهای جهان که شاهد و ناظریم بطور حتم آمریکا را در موقعیتی قرار داده که در اولین فرصت کشورهای مقاوم در مقابل خواست ها و مظاهر آمریکارا بسختی گوشمالی دهد تا آمریکا در راستای سیاست خود با مشکل مقاومت کشورها روبرو نشود.

این سیاست جهانی آمریکا در دو جهت کاملاً وابسته و پیوسته در حرکت است نخست کنترل انرژی جهان دوم تسلط بر حکومت کشورها.

آمریکا در اولین فرصت برای ثبات سیاست جهانی خود مقاومت و سرکشی جمهوری اسلامی را که خود به مناسبت مسائل سیاسی و پشتگرمی هائی در این جریان افتاده است بطور حتم خواهد شکست.

آمریکا و کشورهای همراه که جامعه جهانی خوانده میشوند برای درهم شکستن جمهوری اسلامی نیاز به آلترناتیو سازی دارند یعنی نه آلترناتیو حقیقی و حقوقی و تاریخی موجود بلکه یک آلترناتیوی مانند احمد چلیپی، مثل سوریه و لیبی.

آلترناتیو احمد چلیپی دارای دو قسمت است فاز سیاسی و فاز اجرایی، فاز سیاسی همان است که اکنون در خارج از کشور بوسیله عوامل و مزدوران آمریکا در جریان ساختن است و فاز اجرایی آن همان است که افراد عراقی دنبال رو احمد چلیپی جلو دارقشون آمریکا وارد عراق شدند که این نیرو در آلترناتیو در جریان ساخت بوسیله آمریکانیها مجاهدین خلق هستند.

<sup>۱</sup> آهی و عدم نمایندگی طرفداران نظام پادشاهی اینجا را بخوانید ح-ک <http://1400years.org/AmirFeyz/NeshasteSwedOlatPalmehValibi-AmirFeyz-12Feb2012.pdf> در رابطه با آقای شه‌ریار

آهی و عدم نمایندگی طرفداران نظام پادشاهی اینجا را بخوانید ح-ک

جامعه جهانی درمورد لیبی و یاسوریه ناچار شد که مزدوران تفنگدار غیرسوری و لیبیایی تجهیز کند چون مزدورانی چون مجاهدین نداشت ولی درمورد ایران دارد و در نزدیکی مرز ایران یعنی در عراق مستقر هستند دخالت و حمایت آشکار آمریکا از کمپ اشراف و انتقال آن به مرز اردن برای حراست و امنیت بیشتر مجاهدین از حملات هوایی سابقه دار جمهوری اسلامی (ایران) است. نمایشات مجاهدین در فرانسه و سخنرانی شخصیت های آمریکایی در دفاع از مجاهدین همه و همه زمینه سازی برای آن است که در اولین فرصت، آمریکا از آنها بعنوان یک نیروی ایرانی جلودار در حمله به ایران استفاده کند. البته در این جریان چیزی که اصلا نه برای آلترناتیو سازان ایرانی مزدور بیگانه و نه برای جامعه جهانی مطرح نیست ایران و ملت ایران است که قبل از نابودی جمهوری اسلامی بکلی از پادر خواهد آمد.

یکی از پژوهشگران نوشته است:

«برنامه خروج مجاهدین از لیست تروریستی که بوسیله مجاهدین و با حضور شخصیت های سیاسی و نظامی آمریکایی انجام شد بدین منظور است که آمریکا در حمله به ایران از آنها استفاده کرده و آنها بعنوان آلترناتیو شناخته شوند»

### تحلیل آلترناتیو سازی از نظر حقوق سیاسی

همانطور که علیحضرت در مصاحبه پاری ماچ و همچنین گفتگو با احمد احرار فرمودند «آلترناتیو حقیقتی و مثبت که ایرانیان آنرا می شناسند و قبول دارند رژیم سلطنت مشروطه است» همچنین تاکید دارند که «ما نباید اجازه بدهیم که دیگران برای ما تعیین تکلیف کنند و بروند آلترناتیو برای خودشان انتخاب کنند ولی مستاصل هستند»

مراتب حقوق سیاسی و تاریخی و هویت ایران نشان میدهد که علیحضرت متصدی حراست از آلترناتیو سلطنت، در مقابل جمهوری اسلامی هستند و همین بیانات بالای ایشان هم گواه تداوم تصدی ایشان به حراست از آلترناتیو است. آلترناتیو سلطنت باتشکیل دولت موقت بفرمان شاه از قوه به فعل درمیآید و این تنها عملی است که بر اساس سنت مشروطیت و قانون اساسی بر عهده ایشان است که متأسفانه با آنکه قول انجام آنرا هم دادند به انجام آن وفادار نمادند، به اسناد زیر توجه کنید:

در بهمن ماه سال ۱۳۶۳ کانال تلویزیونی ان-بی-سی مصاحبه ای با علیحضرت داشت که علیحضرت علانق و آرزوهای میهنی خودشان را برای نجات ایران اظهار و اعلام داشتند که:

«مسئولیت من این است، یک پادشاه نسبت به ملتش برای ایجاد شق جایگزین نسبت به شق خمینی. ما باید یک سیستم حکومتی مانوس در دست داشته باشیم تا بدینا ثابت کنیم و ثابتوانند روی ما حساب کنند»

مصاحبه کننده میگوید:

«مگر غیر این است که چنین دستاوردهایی از راه تشکیل دولت در تبعید است؟ منظورم این است که یک محل تمرکز و توجه باید وجود داشته باشد آیا بودن چنین مرکزی مردم ایران را از وجود شق دیگر حکومت محروم نمیکند؟»

علیحضرت به پرسش هدایت آمیز پاری ماچ چنین پاسخ و وعده داده اند:

«شما کاملاً درست میگویند، در عمل این همان چیزی است که من در حال حاضر سرگرم انجام آن هستم. اکثریت مردم ایران امروز به این نتیجه رسیده اند که تنها کسی که میتواند این اقدام را بکند من هستم»

در سال ۱۳۸۴ علیحضرت در سخنرانی در دانشگاه هاروارد فرمودند:

«بیش از هر زمان دیگر، آماده ایم که به علاقه وافر خود در ایجاد یک دولت مردم سالار برای اولین بار در تاریخ کشور خودمان جامه عمل بپوشانیم»

در طول سالها با همه بی علاقی علیحضرت، به فنومن تشکیل دولت موقت شخصیت های خارجی از آن مهم، یعنی تشکیل دولت در تبعید ادا غافل نبودند از باب نمونه:

**نمونه اول** – مفسر سیاسی تلویزیون لوس آنجلس کانال ۷ آقای شمسون از جهاتیان خواست که دولت تبعیدی ایران به رهبری رضاشاه دوم رابرسمیت بشناسند < (مشروح درسنگراول تیرماه ۱۳۸۴)

**نمونه دوم** – گزارش شبکه تلویزیونی ای – بی – سی روز دوشنبه چهاردهم فوریه ۱۹۸۳ درلوس آنجلس آقای هرشن مفسر سیاسی پس از شرح مفصلی که از گمراهی آمریکا در اقدام علیه شاهنشاه ایران بیان میکند (مشروح گزارش مزبور که بسیار خواندنی و از اسناد مهم مبارزه است درسنگراول تیرماه ۱۹۸۴ درج است) سوال میکند که ما آمریکانیها در مقابل این خبط و اشتباه بزرگ چه میتوانیم بکنیم؟ بلافاصله میگوید:

> ایران رابرسمیت بشناسیم. البته شناخت دیپلماسی نه رژیم آیت الله خمینی رابلکه برسمیت شناختن دولت در تبعید شاه جوان ایران. آنرا برسمیت بشناسیم بقدری این کار صحیح و اخلاقی است و این شهادت بقدری از نظر سیاسی در دنیای آشفته امروز مهم است که دولت مارا در ۴۰ سال بعد در موقع بهتری قرار میدهد.....<

### **با فوسوی این تحریر به پایان میرسد**

دیدیم که چه مغتنم موقعیت ها بود و چه زمینه های حمایت شخصیت های سیاسی و رسانه ای در تبدیل آلترناتیو حقیقی و اصل و قانونی جمهوری اسلامی به کانون اجرائی و قدرت سیاسی و حقوقی دولت موقت. ۳۱ سال این بی اعتنائی ادامه یافت، اسناد مبارزه شاهد و سند است که حداقل ده ها سنگر ۱۲ صفحه ای در تقاعد علیحضرت به استفاده از حقوق سلطنت بتحریر رفت و تمامی آنها هم حضورشان ارسال گردید.

در کمال تاسف اکنون ناظریم که دیگر آلترناتیو چلیپی که برای ایرانیان بوسیله آمریکا بار گذاشته شده میخواهد دولت موقت هم تشکیل بدهد.<sup>۲</sup>

چو شیران برفتند زین کارزار      کند روبه لنگ اینجاشکار

<sup>۲</sup> - دیشب ۲۸ مارچ ۲۰۱۲ در ساعت ۱۰:۳۰ به وقت شرق آمریکا آقای آرام حسامی در برنامه تلویزیون اندیشه در پاسخ مجری برنامه که به «دولت موقت» اشاره می کند با تند می گوید «دولت موقت که نه من از این جمله که آلوده به مواد رادیو اکتیو شده خوشم نمی آید، یک آلترناتیو مورد قبول» معلوم نیست این آلترناتیو مورد قبول چه کسانی بایستی باشد. زیرا در پاسخ آزادی جلسات با تاکید گفت خیر فقط کسانی که دعوت می شوند شرکت میکنند. پس این آلترناتیو چگونه تعیین می شود که مردم از آن بی خبرند و جز آلترناتیو موجود و زنده سه هزار ساله است که علیحضرت هم به «پچ پشت در های بسته» اعتراض دارند. ح-ک